



خیلواکی

استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

چهارشنبه ۰۳ فروری ۲۰۲۱

بهرام صادقی

## خواست کنار رفتن رئیس دولت، سلاح زنگزده اما خطرناک آی.اس.آی

اخیراً ملگری؟ ملا؟ عباس ستانکزی یکی از رهبران طالبان در جریان سفری به مسکو اعلام نمود که اگر اشرف غنی کنار برود، ما حاضر به همکاری در یک حکومت مؤقت هستیم. شنیدن این سخنان فوراً انسان را عقب میبرد به اوایل سال ۱۹۹۲، زمانیکه رهبران تنظیمها که از آی.اس.آی دستور می گرفتند، از نجیب الله که آنزمان در رأس حکومت بجا مانده از قشون اتحاد شوروی وقت قرار داشت، خواستند که بخاطر تأمین صلح در افغانستان از موقف اش کنار برود. آی. اس. آی میدانست که کناره گیری نجیب الله سبب از هم پاشی کامل رژیم میشود و آنگاه میدان برای تطبیق پلانهای شوم پاکستان علیه افغانستان فراهم میگردد. بنین سیوان که در آن زمان نماینده خاص سرمنشی مؤسسه ملل متحد برای افغانستان بود، این پیام تنظیمها را زمانی به نجیب الله انتقال داد که موصوف ناکامی کامل خود در سیاست به اصطلاح مصالحه ملی را به چشم سر میدید و بعد از قطع کمکهای روسیه توسط بوریس یلتسین و توطئه دوستم علیه حکومت اش، امیدی به بقای حکومت سرتا پا وابسته خویش نداشت. وی و سایر سران رژیم در انتظار یک راه برای تسلیمدهی قدرت بودند (رجوع شود به کتاب عبدالوکیل). نجیب الله پیشنهاد کناره گیری را با زیرکی ای که داشت ارزیابی نمود. وی میتوانست با قبول این خواست خود را قهرمان صلح جابزند که گویا بخاطر داعیه صلح از ریاست دولت کناره گیری کرده است. در ضمن قادر میشد به کمک بنین سیوان نماینده سرمنشی ملل متحد به زن و اولاد خویش که قبلاً به دهلی انتقال داده شده بودند، بپیوندد. نجیب قدرت را به یک کمیته نظامی انتقال داد و همراه با بنین سیوان راه دهلی را در پیش گرفت. اگرچه در عمل این یک کوشش ناکام بود، اما آی.اس.آی به مراد خویش رسید و پروسه از هم پاشی و سقوط رژیم سرعت بی سابقه یافت و تسلیمی قدرت به حکومت مؤقت تنظیم که زاده توافق پاکستان زده پشاور بود، به نتایج ناگوار بیشماری انجامید که برخی از آنها قرار ذیل اند:

- الف: تنظیمهای تشنه قدرت نخست در کابل به جان هم افتادند، این شهر را ویران کردند و سپس شعله های جنگ به اقصی نقاط افغانستان در شمال، و غرب رسید.
  - ب: پیروزی جهادی که به هدف نجات و طن و مردم و باور های ملت از تجاوز شوروی و تشکیل یک دولت مستقل ملی توسط مردم محلات براه افتاده بود، و به قیمت خون بیش از ۲ میلیون قربانی بدست آمده بود، به باد فنا رفت و به جای اتحاد شوروی سابق، پاکستان، ایران و روسیه در وطن ما نقش تعیین کننده یافتند.
  - ج: قوای مسلح افغانستان که علیرغم کوشش های ناکام پرچم و خلق برای حزبی ساختن آن، یک ثروت بزرگ ملی محسوب میشد، منحل گردید و اسلحه و مهمات آن توسط تنظیمی های چپاولگر تاراج و در کارخانوی پشاور به قیمت آهن کهنه بفروش رسید.
  - د: ده ها هزار باشنده کابل در جنگهای تنظیمی که سپس شکل جنگ قومی را بخود گرفت کشته و زخمی شدند و صد ها هزارتن دیگر مجبور به مهاجرت به پاکستان و ایران شدند .
  - و: افغانستان به باتلاقی فرورفت که هنوز هم در آن دست و پا میزند.
- اکنون که تقریباً سی سال از آن فاجعه میگذرد، دولت پاکستان که آی.اس.آی.آی. امر بی چون چرای آنست، همان زمزمه حکومت مؤقت و کنار رفتن رئیس جمهور را دوباره از زبان ایادی خویش، اعم از طالبان، رهبران بدنام تنظیمی و بخشی از مافیای زمزمه میکنند و میخواهد افغانستان را برای سی سال دیگر به بحران دیگری فرو برد.
- این توطئه دشمن توسط طرح مجهول الهویه که توسط همین عمال داخلی اش در داخل کشور دست بدست میگردد، ادامه دارد. چهره های دست پرورده آی.اس.آی.آی. که سی سال قبل افغانستان را به بحران کشیدند، اکنون دوباره طلایه دار حکومت مؤقت و کنار رفتن رئیس دولت کنونی شده اند. حکمتیار، اسحق گیلانی، عطا محمد نور، برخی رهبران دیگر جمعیت اسلامی و میر رحمان رحمانی رئیس خادیست ولسی جرگه که بعد ها در رکاب کاکایش یعنی جنرال بابا جان هم خادی و هم - جهادی از طریق دلالی قرارداد های تأمینات قوای امریکائی در بگرام ملیاردر شده و با استفاده از همین پول برای خود و پسرش اجمل رأی خریده و به ولسی جرگه راه یافته و سپس چوکی ریاست ولسی جرگه را از وکلای کاسب خریداری نموده است، صورت می گیرد. هدف این تبلیغات صدمه زدن به اتوریته حکومت افغانستان و رئیس دولت است که صرف نظر از همه نواقصی که دارند، فعلاً یگانه زمامداران قانونی افغانستان اند. تیم اشرف غنی در پهلوی اینکه جنگ را علیه طالبان به پیش برده و در برابر فشار های زیاد امریکا، پاکستان، روسیه و ایران قد راست نگهمیدارد، گامهایی

را هم در راستای مبارزه با فساد و ختم فرهنگ معافیت زورمندان می بردارد. یکی از این گامهای شجاعانه متوقف ساختن پروژه های شخصی وکلا در بودجه ملی سال ۱۴۰۰ است. معمولاً وکلا به بهانه انکشاف حوزه انتخاباتی پروژه هائی را در طول سال به وزارت مالیه می سپردند تا شامل بودجه انکشافی شود. آنها با سوء استفاده از موقف پارلمانی خویش تطبیق این پروژه ها را به شرکتهای ساختمانی اقارب خویش واگذار میشدند و اکثراً پول این پروژه ها به تاراج میرفت. بطور مثال غواصی وکیل و منشی سابق ولسی جرگه برای برادر خود یک شرکت ساختمانی ساخته بود تا پول این نوع پروژه ها بیگانه نشود و دوباره به جیب خودشان بیافتد. وکلا با سوء استفاده از ضعف اداره کرسی بر وزارت داخله فشار می آوردند تا در حوزه انتخاباتی مربوطه شان اقارب و اشخاص اعتمادی شان بحیث ولسوال و قوماندان پولیس مقرر شود. از همین طریق زمینه کمیشن گرفتن از قاچاقبران مواد مخدره و سایر مواد تجارتي را برای خود مساعد میساختند. حاجی ظاهر سابق وکیل ننگرهار از موقف معاون ولسی جرگه برای مصونیت لاری های قاچاق گندم و تیل از سرحدات شرقی استفاده می نمود. اشرف غنی طی سال گذشته میلادی با مشروط ساختن مقرری های قوماندانهای ولسوالی به تائید خود، راه های سوء استفاده توسط وکلای استفاده جو را بگونه تدریجی و قدم به قدم بست. دستگیری و برکناری دو سناتور فاسد هم زنگ خطری بود به وکلای کاسب. چون میر رحمانی تاجر بزرگ، حنیفی وکیل هرات، رحمانی وکیل غزنی و امثالهم که متأسفانه تعداد شان کم نیست، منافع شخصی خود را در خطر می بینند، به مخالفت جنون بار با اشرف غنی و تیم اش می پردازند تا مگر از طریق تهدید، تیم دولت ساز را وادار به عقب نشینی بسازند. اما خوشبختانه وکلای وطن دوست هم وجود دارند که نه موتر زره دارند، نه از وزارت داخله پنجاه بادیگارد میخواهند، و نه به استفاده جوئی های فوق میپردازند. همین وکلا عواقب حکومت مؤقت را هم درک میکنند و با اعتراض شدید بر موضع گیری رحمانی و هیأت صلح خود ساخته اش، به او فهماندند که وظیفه او تنظیم جلسات ولسی جرگه است و نباید خود را در موقف هیأت مذاکره کننده دولت قرار دهد.

حکمتیار وقتی بعد از زیارت دوست قدیم و حامی اش یعنی رئیس آی.اس.آی در اواخر ۲۰۲۰ به کابل بازگشت، در گفت و گو با خبرنگاران سفر خود را سرنوشت ساز خواند. بعباره دیگر سرنوشت حکمتیار برای بار دوم توسط آی.اس.آی رقم خورد. حکمتیار فکر میکند اگر حکومت مؤقت ایجاد شود، وی در رأس آن خواهد بود. غافل از اینکه وی نه مورد قبول طالبان است و نه قابل پذیرش برای دیگر تنظیمهائی که حکومت مؤقت را برای خود یگانه وسیله شرکت در قدرت می پندارند.

مهماننداری پاکستان از به اصطلاح چهره های سیاسی عقده ای، فقط یک هدف را تعقیب میکند، تفرقه بیانداز و حکومت کن.

نابودی نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان یکی دیگر از اهداف آی.اس.آی است که اگر مردم و حکومت افغانستان مخالفت جدی شان را با این توطئه تبارز ندهند، از طریق طالبان و سایر ایادی عملی میگردد. طالبان میخواهند جنگجویان دهشت افکن خود را که وابسته به استخبارات منطقه اند، بعوض قوای مسلح کنونی جابجا سازند تا همه اوامر ملا هبت الله را به زور سر نیزه در افغانستان تطبیق کنند. این پلان در سال ۱۳۷۱ (۱۹۹۲) نیز به دستور آی.اس.آی و از طریق رهبران تنظیمها عملی شد. در قوتهای مسلح کنونی فرزندان مردم افغانستان از اقوام و ولایات مختلف خدمت میکنند که یگانه وفاداری شان به خدا و وطن است. حالا که افغانستان، ولو به کمک اجانب، مجدداً صاحب قوای دفاعی و امنیتی شده است، باید مجدانه برای حفاظت آن صدای خود را بلند کنیم.

شرایط امروز افغانستان با شرایط سال ۱۹۹۲ تفاوت ریشه ای دارد و به همین جهت اشرف غنی با متانت و با اتکا به پشتیبانی نسل جوان و زنان افغانستان که اکثریت نفوس کشور را تشکیل میدهند، و به یاری قوای مسلح افغانستان به دولت سازی ادامه داده و همانگونه که بارها خود اظهار داشته، سینه اش را به سپر وطن تبدیل کرده است. اکنون شرایط طور نیست که باید بخاطر جلوگیری از تکرار تاریخ توسط پاکستان و سایر خارجی ها، اختلافات فکری و سلیقه سیاسی خود را کنار بگذاریم و از نظام و رئیس دولت کنونی که خارچشم دشمنان افغانستان است، پشتیبانی کنیم. بعد از رفع خطر یک جنگ داخلی دیگر، میتوانیم دوباره به انتقاد از اعمال دولت رو آوریم.